

تجزیه و تحلیل مقابله‌ای در استفاده از حرف تعریف معلوم و نامعلوم در متن داستانهای زبان فارسی و انگلیسی

مترجمان: سیده فرزانه حسینی - مرضیه معینی امام قیسی

دانشگاه فرهنگیان شهرکرد

m.moeini1628@gmail.com

چکیده

زبان ها دارای اشکال زبانی متفاوتی هستند که می توانند برای کشف تفاوت ها و شباهت ها بین آنها با هم مقایسه شوند. مطالعه ی حاضر تجزیه و تحلیل مقایسه ای در استفاده از حرف تعریف معلوم و نامعلوم در زبانهای انگلیسی و فارسی را نشان می دهد. در این خصوص ۱۰ متن از داستانهای تاریخی و مذهبی فارسی و ترجمه های آنها به زبان انگلیسی انتخاب شد. در میان این متنها ۱۱۳ مورد از حروف تعریف معلوم و نامعلوم در دو زبان با هم مقایسه شده است. نتایج مطالعه نشان داد که در ۴۳ مورد از حروف تعریف معلوم "the" و ۲۹ مورد از حروف نامعلوم "an, a" به ترتیب برای نشان دادن معلوم و نامعلوم بودن استفاده شده است. همچنین نتایج مطالعه نشان داد که در زبان فارسی تنها در ۳ مورد از حرف تعریف معلوم "the" برای نشان دادن نامعلوم بودن استفاده می شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل مقایسه ای، حرف تعریف معلوم و نامعلوم، استفاده

۱. مقدمه و پیشینه

۱.۱. تجزیه و تحلیل مقایسه ای یعنی چه؟

تجزیه و تحلیل مقایسه ای (CA)، یک روش تجزیه و تحلیل زبانی است، و با یک جفت زبان مرتبط است و فرض اصلی آن بر اساس مقایسه ی زبانهای مختلف پایه گذاری شده است. CA همچنین شامل دستور زبان مقایسه ای است که دامنه خاصی را در زبان ها شناسایی و تعریف می کند، در مورد نقش آموزشی CA در محیط کلاس تحقیق می کند، توضیح می دهد که CA یک تکنیک مفید برای ارائه ی موارد زبانی به یادگیرنده است "و همچنین روش آموزش، و ارتباطات را بررسی می کند. مقایسه ی دو سیستم زبان شناسی یک روش متداول برای یادگیری زبان است زیرا هدف اصلی آن ارائه یک مدل "مقایسه ی بین زبان" است از این مدل برای تعیین تفاوت ها و شباهت بین زبان ها استفاده می شود.

(Jaszczolt ۱۹۹۵) معتقد بود که در مقایسه ی زبان ها جنبه های میکرو زبانشناسی از قبیل واج شناسی، گرامر و واژگان، و همچنین جنبه های کلان زبانی مانند معانی شناسی، کاربرد شناسی، مطالعات جامعه شناختی و روانشناختی باید در نظر گرفته شود.

زبانشناسی مقایسه ای شامل دو حوزه است: نظری و کاربردی. در حالی که زبان شناسی نظری با تعیین مقوله های جهانی (آواشناسی، تکواژشناسی، نحو، معناشناسی، و کاربردگرایی) بین دو زبان مرتبط است، زبان شناسی کاربردی بر استفاده از این رشته های نظری در آموزش زبان، ترجمه و تحقیقات متفاوت در مورد آموزش زبان توجه دارد. در این رابطه، اگرچه James (۱۹۸۰) معتقد است که CA بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد (Jaszczolt ۱۹۹۵) آن را هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ کاربردی در نظر می گیرد. با این حال، (Jaszczolt ۱۹۹۵) اشاره کرد که توانائی گرامری و اجتماعی - فرهنگی دو دلیل قابل توجه در تحقیقات نظری و کاربردی هستند. آنچه در CA اهمیت دارد اشکال معادلات زبان اول و دوم از نظر معناشناختی و کاربردشناسی است زیرا بهترین روش مقایسه در CA همسان سازی ترجمه ی کاربرد معنایی است برای داشتن تحلیل مقایسه ای ایده آل، مهم است که یک متن (A) را در یک زبان (L۱) با ترجمه ی آن در متن دیگر (B) در زبان دوم (L۲) مقایسه کنیم به این روش تجزیه و تحلیل دوطرفه گفته می شود. تجزیه و تحلیل گرامری (CG) بخشی از تجزیه و تحلیل مقایسه ای است که به تجزیه و تحلیل گرامری زبان توجه دارد. (Devos ۱۹۹۵) معتقد است که CG همچنین با واژگان، نحو، مورفولوژی، معناشناسی، و کاربردگرایی مرتبط است، همانطور که در تجزیه و تحلیل دستور زبان، استفاده از حرف تعریف معلوم و نامعلوم در زبان انگلیسی و معادل آنها در زبان فارسی شامل حوزه های گرامر و ترجمه است.

برقراری ارتباط با سخنرانان زبانهای دیگر رفتار پیچیده ای است که به صلاحیت زبانی و عملی نیاز دارد. اینکه آیا به زبان اول یا دوم صحبت کنیم ما را تحت تأثیر هنجارها و محدودیت های اجتماعی فرهنگی قرار می دهد و بر نحوه ی ارتباط ما تأثیر می گذارد. (Rizk ۲۰۰۳) خاطرنشان می کند آنچه در یک زبان مناسب است ممکن است در زبان دیگر مناسب نباشد. به عنوان مثال ستایش دختر چاق در جامعه ی آفریقای غربی یک تعریف محسوب می شود؛ در حالی که در یک محیط آمریکایی این موضوع توهین محسوب می شود.

بیشتر مشکلاتی که زبان آموزان خارجی در ارتباطات بین فرهنگی با آن مواجه می شوند به طور عمده مربوط به کاربرد است. معلمانی که انگلیسی را به عنوان زبان خارجی تدریس می کنند غالباً تصمیم می گیرند که در کلاس بر دانش عملی تأکید نکنند، در عوض به دانش زبانی توجه می کنند. (EslamiRasekh ۲۰۰۴) هشدار می دهد وقتی زبان آموزان خارجی با گویشوران بومی ارتباط برقرار می کنند این موضوع ممکن است موجب ناکامی عملی شود. یعنی چیزی که به برخی از عوامل دیگر نسبت داده می شود، از جمله گستاخی. تنها راه به حداقل رساندن شکست عملی بین گویشوران بومی و گویشوران غیربومی یادگیری صلاحیت عملی است، یعنی "توانایی استفاده از زبان به طور موثر به منظور درک زبان در محیط

" (El Samaty ۲۰۰۵, p. ۳۴۱) دانش آموزان خارجی اماراتی در معرض جوامع و فرهنگ هدف قرار نگرفته اند بنابراین گاهی تولید و درک کنش کلامی برایشان بسیار دشوار است.

پاسخ های تعریفی یک نوع کنش کلامی هستند که در زبان عربی و انگلیسی به طور قابل توجهی با هم تفاوت دارند. ممکن است گویشوران بومی انگلیسی، نحوه ی پاسخگوئی گویشوران عربی به تعریف ها را به عنوان مجازات در نظر بگیرند یا آنها را عجیب و غریب محسوب کنند، زیرا آنها فقط کلمات را بدون قوانین فرهنگی که بر آنها حاکم است درک کرده اند و برعکس. هدف این پژوهش تعیین این نکته است که آیا زبان آموزان عربی که زبان انگلیسی را یاد می گیرند می توانند پاسخ های تعریفی مانند زبان هدف تولید کنند و اینکه آیا انتقال عملی می تواند رخ دهد. این پژوهش بررسی می کند که پاسخ های تعریفی چگونه در فرهنگ امارات متحده عربی مورد استفاده قرار می گیرند و تفاوت بین آنها و موارد استفاده شده در فرهنگ آمریکائی چیست. با وجود تعداد زیادی از مطالعات تجربی که به طور کلی در مورد کنش کلامی انجام شده است، پژوهش های اطلاعاتی اندکی بر انتقال پاسخ های تعریفی از زبان اول به زبان دوم توجه کرده اند و لازم است برای درک بهتر رابطه ی بین انتقال پاسخ های تعریفی از زبان اول به زبان دوم تحقیقات بیشتری انجام شود. پژوهش حاضر به مجموعه ی محدودی از تحقیقات انجام شده در خصوص پاسخ های تعریفی زبان عربی کمک می کند. این کار با توجه به موارد زیر انجام شده است: (۱) بررسی مطالعات مربوط به انتقال عملی و پاسخ تعریفی، (۲) بحث در مورد روش و نتایج مطالعه ی حاضر، و در نهایت (۳) پیشنهاد مفاهیم کلاسی که می تواند در محیط امارات متحده ی عربی در خصوص آموزش زبان انگلیسی مورد استفاده قرار گیرد.

۱.۲. حرف تعریف معلوم و نامعلوم در زبان انگلیسی

یادگیری حرف تعریف در زبان اول در مراحل اولیه یادگیری زبان انگلیسی، قبل از سن ۴ سالگی آغاز می شود. بنابراین تعداد اشتباهات در این مرحله به شدت کاهش می یابد. در انگلیسی، تعیین کننده ها در طبقه های فرعی طبقه بندی می شوند، که یکی از آنها یک حرف تعریف است. حرف تعریف به دو بخش تقسیم می شود: معلوم و نامعلوم، در حالی که حرف تعریف معلوم "the" قبل از اسامی مفرد و جمع مورد استفاده قرار می گیرد، حرف تعریف نامعلوم "a" و "an" قبل از اسامی مفرد مورد استفاده قرار می گیرند.

برای زبان آموزان انگلیسی، در استفاده از این حروف تعریف پیچیدگی وجود دارد، به طوری که آنها در هنگام یادگیری با چالش هایی مواجه می شوند. بنابراین، به نظر می رسد درست باشد که بگوئیم مشکل شماره ی یک در ادبیات آموزشی، آموزش سیستم بسته ای از حروف تعریف به زبان آموزان است.

زیرا این سیستم شامل "مفاهیم معنایی از وجود، مرجع و تخصیص؛ مفاهیم گفتمان ارجاع به ماقبل و متن و همچنین مفاهیم نحوی محاسبه و شمارش است. حرف تعریف معلوم و نامعلوم یعنی "a"، "an" رایج ترین کلمات مورد استفاده در زبان انگلیسی هستند.

به گفته (۱۹۹۱) Sinclair, Dabaghi & Tavakoli, cited in (۲۰۰۹) در میان ۲۰ میلیون کلمه ی انگلیسی، رایج ترین کلمه حرف تعریف معلوم "the" است، در حالی که حروف تعریف نامعلوم در جایگاه پنجم قرار می گیرند.

حروف تعریف معلوم و نامعلوم (the)، a، an کاربردهای مختلفی دارند. در حالیکه حروف تعریف معلوم به دانش قبلی و آشنایی خواننده یا شنونده با کلمات توجه دارند، حروف تعریف نامعلوم عدم آشنایی خواننده یا شنونده با کلمات داده شده یا موضوع را مد نظر قرار می دهند.

به عنوان مثال، Power و Martello (۲۰۰۸) توضیح می دهند که وقتی یک سخنران یا نویسنده در مورد یک مرجع مانند "خرگوش" صحبت می کند، او باید در نظر بگیرد که آیا از حروف تعریف معلوم یا نامعلوم استفاده کند، بنابراین اگر شنوندگان و یا خوانندگان برای اولین بار با این کلمه مواجه می شوند، از حروف تعریف نامعلوم استفاده می کنند و زمانی که

شنوندگان یا خوانندگان با این کلمه آشنا هستند، از حرف تعریف معلوم "the" در متن استفاده می‌شود (۱۹۷۴) Maratsos. بین حرف تعریف معلوم "the" و حرف تعریف نامعلوم "a" در کودکانی که انگلیسی را می‌آموختند تفاوت ایجاد کرد. او در مطالعه خود به برخی از دلایل تمایز از طریق اختصاصی و غیر اختصاصی اشاره کرد، همانطور که مورد اول با مرجع خاص و استفاده از حرف تعریف معلوم "the" در ارتباط است مورد دوم بیانگر ارجاع به هیچ یک از اعضای گروه را نشان نمی‌دهد، و مربوط به استفاده از حرف تعریف نامعلوم a (an) است.

(۱۹۹۹) Celce-Murcia & Larsen Freeman، نقل شده در Mobini & Tahririan (۲۰۰۷) معتقد هستند که یکی از مسائل بحث برانگیز در میان زبان آموزانی که در زبان خود "حرف تعریف" ندارند، حروف تعریف انگلیسی است. با بررسی زبان آموزانی که سابقه ی زبان اول آنها متفاوت است (۱۹۸۸-۱۹۸۷) Butler Master، cited in (۲۰۰۲) معتقد است که در مجموع، در میان زبان آموزانی که در زبان خود حرف تعریف ندارند، مانند ژاپنی ها، استفاده از حروف تعریف نامعلوم مانند "a" بسیار دشوارتر از استفاده از استفاده از "the" است. در مطالعه انجام شده توسط Snape (۲۰۰۵)، نتایج نشان می‌دهد که زبانهایی که فاقد سیستم حرف تعریف هستند، مانند ژاپنی، بیش از حد از "the" برای محیطهای نامعلوم استفاده می‌کنند. (۱۹۸۹) Thomas پس از تجزیه و تحلیل استفاده از حروف تعریف معلوم و نامعلوم توسط زبان آموزان ادعا کرد که کودکانی که از زبان اول را یاد می‌گیرند از حرف تعریف نامعلوم "a" بسیار درست تر از کودکانی استفاده می‌کنند که زبان دوم را یاد می‌گیرند. علاوه بر این، هر دو کودکانی که زبان اول و دوم را یاد می‌گیرند از حرف تعریف "the" بیش از حد استفاده می‌کنند. (۲۰۰۲) Butler معتقد است که مشکل مربوط به زبان آموزان است، زیرا آنها فاقد مهارت انگلیسی کافی هستند، آنها از حرف تعریف معلوم "the" در طیف وسیعی استفاده می‌کنند.

از طریق بررسی حروف تعریف معلوم و نامعلوم در زبان انگلیسی و فارسی، تفاوت در کاربرد و ترجمه ی آنها مهم می‌شود. (۱۹۹۷) Faghih حدود ۱۰۵ عنصر فارسی را با معادل انگلیسی شان مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که زبان فارسی هیچ معادلی برای حرف تعریف معلوم "the" انگلیسی ندارد. بنابراین، یادگیری "the" برای زبان آموزان ایرانی مشکل ایجاد می‌کند.

۱.۳. حرف تعریف معلوم و نامعلوم در زبان فارسی

حرف تعریف معلوم و نامعلوم در تحقیقات فارسی دارای جایگاه هستند، به ویژه به دلیل اینکه یکی از مسائل متضاد بحث بر انگیز بین فارسی و انگلیسی، در این زمینه محسوب می‌شوند. تفاوت‌های مشاهده شده در نقاط مختلف گرامر بین زبان اول و دوم مشکلاتی را در یادگیری زبان دوم ایجاد کرده است. همانطور که (۲۰۰۰) Geranpayeh معتقد است، در حالی که نقش نحو در استفاده از حرف تعریف معلوم در زبان انگلیسی معنی دار است، معنانشناسی بیانگر این نقش مهم در زبان فارسی است. برای مثال، در مقایسه ی حروف تعریف معلوم و نامعلوم بین یک جفت زبان (به عنوان مثال لهستانی و انگلیسی)، گاهی اوقات هیچ سیستم حرف تعریفی در یک زبان مانند لهستانی وجود ندارد، یا هیچ معادل تکواژی پیوسته ی معادلی برای حرف تعریف معلوم "the" در انگلیسی با زبانهای دیگری مانند ترکی یا فارسی وجود ندارد.

با این حال، مشکل اصلی در تشخیص و استفاده از حرف تعریف معلوم و نامعلوم در فارسی و انگلیسی بر فقدان معادل مناسب برای حرف تعریف معلوم و نامعلوم در فارسی توجه دارد. تشخیص حرف تعریف معلوم "the" برای زبان آموزان ایرانی مشکل ساز است، اگرچه آنها ممکن است این را قبل از حرف تعریف نامعلوم یاد بگیرند. برخی از محققان معتقدند که زبان آموزان از نظر ذاتی تمایل دارند تا موارد اختصاصی را یاد بگیرند و آنها را قبل از موارد غیر اختصاصی تشخیص دهند. اشتباهات زبان آموزان در مورد حرف تعریف معلوم "the" در فارسی به دلیل فقدان این مورد در زبان فارسی است، درحالیکه حرف تعریف نامشخص "a" و "an" در زبان فارسی وجود دارند. همانطور که (۲۰۰۵) Jamshidian در تحقیق خود به موفقیت زبان

آموزان ایرانی در یادگیری حروف تعریف معلوم و نامعلوم اشاره کرده است هر دو نوع این حروف تعریف معلوم بودن و نامعلوم بودن را در زبان فارسی نشان می دهد. (۲۰۱۲) Sabzalipour در مورد خطاهای مربوط به کلاس دهم زبان آموزان ایرانی اشاره کرد. پژوهش او بر ترجمه ی موارد فارسی بر انگلیسی متمرکز است و او نتیجه گرفت که حدود ۱۴ درصد خطاها در حوزه ی حروف تعریف معلوم و نامعلوم قرار می گیرند زیرا زبان آموزان موارد نامعلوم را حذف می کنند یا به طور اشتباه از آنها استفاده می کنند.

اهداف این مطالعه، بررسی استفاده از حرف تعریف معلوم و نامعلوم در سیستم یادگیری زبان و همچنین بررسی این موارد در متون انگلیسی ترجمه شده ی متفاوت می باشد. در این خصوص، هدف این پژوهش بررسی استفاده از حرف تعریف معلوم "the" و حرف تعریف نامعلوم "a" و "an" در برخی از داستانها است، زیرا این پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل مقایسه ای سازماندهی شده است تا تعیین کند که این حروف تعریف چگونه در زبان فارسی و انگلیسی مورد استفاده قرار می گیرند.

۲. روش

۱.۲. ابزار دقیق

داده های تحلیل شده در این مطالعه از ۱۰ متن فارسی که حروف تعریف معلوم و نامعلوم به طور گسترده ای در آنها وجود دارد، انتخاب شده اند. متون انتخاب شده اغلب داستانهای تاریخی یا مذهبی کوتاه است. این متون به زبان انگلیسی ترجمه شده اند. کتاب داستان مذهبی اصلی بین سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۱ منتشر شد و ترجمه آن به زبان انگلیسی در سال ۲۰۱۱ منتشر شد.

کتاب ترجمه شده توسط انتشارات ایرانیان منتشر شد همچنین تمامی مترجمان و ویرایشگران سخنوران بومی ایران بودند (زبان مادری شان ایرانی بود).

۲.۲. روش ها

در میان ده متن فارسی، تمام حروف تعریف معلوم و نامعلوم انتخاب و با معادل انگلیسی شان مقایسه شدند تا شباهتها و تفاوت در کاربرد بین دو زبان مشخص شود. برای مشخص کردن داده ها، جداول تشکیل شده اند و شامل فرکانس و درصد استفاده متفاوت از حروف تعریف معلوم و نامعلوم در زبان فارسی هستند. در نهایت از داده های به دست آمده برای مقایسه ی چگونگی استفاده از حرف تعریف معلوم "the" و حرف تعریف نامعلوم "a" و "an" در دو زبان استفاده شد.

۳. نتایج و بحث

پس از تجزیه و تحلیل دقیق ۱۰ متن تاریخی و مذهبی، ۱۳۵ مورد استفاده از حرف تعریف معلوم و نامعلوم استخراج شد. نتایج این مطالعه نشان می دهد واژه های آشنایی که در فارسی وجود دارند از طریق استفاده از حرف تعریف معلوم "the" به زبان انگلیسی ترجمه شده اند. با توجه به Murphy (۱۹۸۹) حرف تعریف معلوم "the" با آن شرایط روشنی استفاده می شود که در آن کلمات بیشتر از بار اول مورد استفاده قرار می گیرند، به دلیل اینکه خواننده یا شنونده با آنها آشنا است یا از آنها برای اشاره به یک مرجع خاص استفاده می کند.

بنابراین، اگر چه در زبان فارسی همانند زبان انگلیسی هیچ نماد قطعی وجود ندارد، مترجمان فارسی این کاربردها را ترجمه هایشان به زبان فارسی در نظر گرفته اند. جدول ۱ فرکانس و درصد استفاده از حرف تعریف معلوم "the" در موارد مختلف را نشان می دهد. بر طبق جدول فرکانس کلمات آشنا ۴۳ و درصد آن ۷۲ است.

جدول ۱. استفاده از the در ترجمه ی انگلیس



بر اساس نتایج، ۱۷ مورد باقی مانده از کاربرد حرف تعریف معلوم "the" در موارد متفاوت با کلمات آشنا (۴۳ مورد) همانند ۵ مورد برای نام های خاص استفاده شده است ۳ مورد بیانگر نامعلوم بودن است، و جالب توجه است که ۹ مورد با استفاده از "that" برای هر دو "a. an" the مرتبط است. در ترجمه از فارسی به انگلیسی، نامهای خاصی که شامل نام مکان خاص یا شخصیت های محبوب هستند با حرف تعریف معلوم "the" مشخص شده اند. این موضوع نشان دهنده ی استفاده گنج کننده از حرف تعریف معلوم "the" در میان مترجمین ایرانی است. همانطور که Boyle (۱۹۶۶) در کتاب خود اظهار داشته است، در زبان فارسی هیچ جایگاهی برای حرف تعریف "the" وجود ندارد. به این ترتیب Boyle (۱۹۶۶. p. ۱۶) تلاش کرد تا نشان دهد که مشخص بودن در فارسی با زبان انگلیسی متفاوت است، زیرا ممکن است در موارد زیر نشان داده شود:

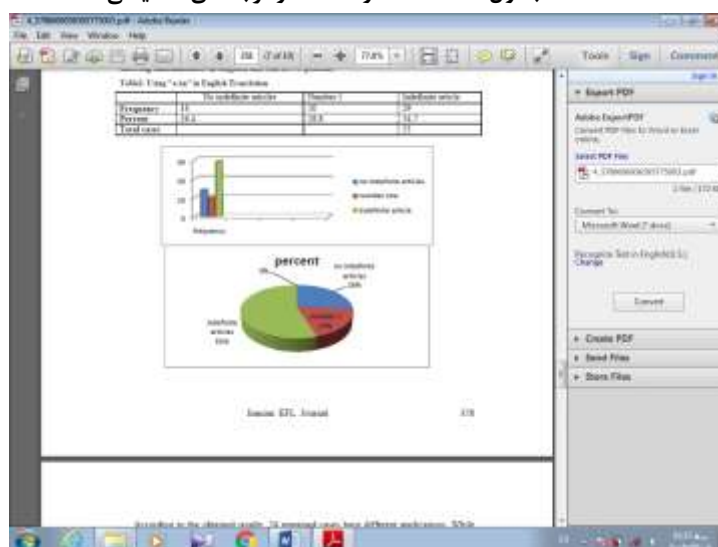
۱. استفاده از حرف اضافه در جمله ی فارسی، استفاده از حرف تعریف معلوم "the" در زبان انگلیسی به عنوان مثال، در حالی که اصطلاح "ra" در فارسی یک نشانگر قطعی است از آن برای نشان دادن قطعیت در جملات فارسی استفاده می شود: "ab ra biavar" (فارسی) برابر با عبارت انگلیسی "bring the water" است.

۲. افزودن یک پسوند نسبی مانند "i" به برخی از اسم ها در مقررات محدود فارسی آنها را در شرایط مشخص قرار داده است، بنابراین این امر آنها را با "the" در زبان انگلیسی معادل می کند "mardi ke" (فارسی) و "the man who" (انگلیسی).

۳. اضافه کردن پسوند "e" به برخی از اسم ها در زبان محاوره آنها را مشخص می کند "pesare" (فارسی) با "son" در زبان انگلیسی معادل است

جدول ۲ نامحدود بودن را در دو زبان نشان می دهد. با توجه به Murphy (۱۹۸۹) از حروف تعریف نامعلوم در جملات استفاده می شود تا ناآشنا بودن خوانندگان یا زبان آموزان را با برخی از کلمات یا عبارات نشان دهد زیرا آنها برای اولین بار ذکر شده اند. بر اساس جدول ۲، در میان ۵۳ مورد استفاده از حروف تعریف نامشخص در زبان فارسی ۲۹ مورد به استفاده ی صحیح از نشان دادن نامحدود بودن در انگلیسی اختصاص داده شده اند که می تواند ۵۵ درصد باشد.

جدول ۲. استفاده از a/an در ترجمه ی انگلیسی



بر اساس نتایج به دست آمده، ۲۴ مورد باقی مانده کاربردهای مختلفی دارند. در حالی که ۱۰ مورد به جای شماره ۱ در ترجمه انگلیسی استفاده می شود، در ۱۴ مورد از "a. an" در متون انگلیسی بدون وجود آنها در متون فارسی استفاده می شود. این نشان می دهد که مترجمان ایرانی ممکن است تصمیم به حذف حروف تعریف نامشخص "a"، "an" بگیرند در حالی که به منظور زیباسازی متون یا قابل درک تر ساختن مطالب این موارد را ترجمه می کنند. در برخی از مدل های تبدیل متن "ana" در زبان انگلیسی به "یک" ترجمه می شوند که به معنای شماره ی یک در زبان فارسی می باشد. در این خصوص Afzali (۲۰۱۲) معتقد است که عدد "یک" در فارسی بیانگر نامشخص بودن در زبان انگلیسی است.

۴. نتیجه گیری

این پژوهش استفاده از حروف تعریف معلوم و نامعلوم در زبان انگلیسی و فارسی را از طریق مقایسه ۱۰ داستان کوتاه تاریخی و مذهبی مقایسه کرده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده، استفاده از این حروف تعریف سازگاری کاملی را در دو زبان نشان نمی دهد؛ با این حال ما کشف کردیم که بیشتر مواردی که نشان دهنده قطعیت و نامحدود بودن در فارسی هستند مشابه معادل انگلیسی هستند، برای مثال، بر اساس نتایج به دست آمده، کلمات آشنا بالاترین درصد را برای حرف تعریف معلوم "the" با حدود ۷۲ درصد نشان می دهد و حروف تعریف نامعلوم حدود ۵۵ درصد نامفهوم بودن را در فارسی نشان دادند. با این حال، مطالعه حاضر به متون داستان کوتاه تاریخی و مذهبی محدود شده است، بنابراین ممکن است تحقیقات بیشتر استفاده از حرف تعریف معلوم و نامعلوم را در ژانرهای دیگر نوشتاری مانند موارد علمی را مورد بررسی قرار دهند.

References

Afzali, P. (۲۰۱۲). Marking definiteness in Farsi and English by Farsi speaking EFL learners. Masters Abstracts International, ۳۴.

Altenberg, B. & Aijmer, K. (۲۰۰۰). The English-Swedish parallel corpus: A resource for contrastive research and translation studies. In: Mair, Christian; Hundt, Marianne (eds.). Corpus linguistics and linguistic theory. Papers from the ۲۰th international conference on English language

research on computerized corpora (ICAME ۲۰) Freiburg in Breisgau ۱۹۹۹. Amsterdam/Philadelphia: Rodopi, ۱۵-۳۳.

Andersen, R. W. (۱۹۸۴). The one to one principal of interlanguage construction. *Language Learning*, ۳۴, ۷۷-۹۵.

Anderson, J. (۱۹۸۷). Case grammar and the localist hypothesis. In: Dirven and Radden, eds. ۱۰۳-۱۲۱. Ansarian, A. A. (۲۰۰۴). Karborde gheire generice harfe taarife englisie the be vasile zaban amuzane.

Farsi zaban. [The application of non-generic definite article THE by EFL learners]. Publication of Faculty of Letters and Humanities (Tabriz), ۴۷(۱۹۰), ۱-۱۲. Iranian EFL Journal ۳۶. Boyle, J. A. (۱۹۶۶). Grammar of modern Persian. Otto Harrassowitz. Wiesbaden. Butler, Y. G. (۲۰۰۲). Second language learners' theories on the use of English articles. An analysis of the metalinguistic knowledge used by Japanese students in acquiring the English article system. *SSLA*, ۲۴, ۴۵۱-۴۸۰.

Celce-Murcia, M. & Larsen-Freeman, D. (۱۹۹۹). The grammar book: An ESL teacher course. Boston: Heinle and Heinle.

Dabaghi, A. & Tavakoli, M. (۲۰۰۹). A comparison of the effects of corrections on definite/indefinite articles and regular/irregular past tense forms: A case of Iranian EFL learners. *Asian EFL Journal*, ۱۱(۴), ۹۰-۱۱۴.

Devos, F. (۱۹۹۵). Contrastive Grammar: Tenets and criteria. University of Gent. Dikilitas, K. & Altay, M. (۲۰۱۱). Acquisition sequence of four categories of non-generic use of the English definite article THE by Turkish speakers. *Novitas-ROYAL (research on Youth and Language)*, ۵(۲), ۱۸۳-۱۹۸.

Ekiert, M. (۲۰۰۷). The acquisition of grammatical marking of indefiniteness with the indefinite article a in L۲ English. Teachers College, Columbia University Working Papers in TESOL and Applied Linguistics, ۷(۱).

Faghih, E. (۱۹۹۷). A contrastive analysis of the Persian and English definite articles. *IRAL*, ۳۵, ۱۲۷-۱۳۸.

Faghih, E. & Hosseini, S. B. (۲۰۱۲). Asynchronous computer-mediated corrective feedback and the correct use of definite/indefinite articles. *International journal of Instructional Technology and Distance Learning*, ۹(۱), ۲۱-۳۶.

Feili, H. & Ghassem-Sani, G. (۲۰۰۴). An application of lexicalized grammars in English-Persian translation.

Fisiak, J. (۱۹۹۰). On the present status of some metatheoretical and theoretical issues in contrastive linguistics. In J. Fisiak (Ed.) *Further insights into contrastive analysis*, ۳-۲۲. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins publishing company.

Fisiak, J., Lipinska-Grzegorek, M. & Zabroski, T. (۱۹۷۸). An introductory English-Polish contrastive grammar. Warsaw: Panstwowe Wydawnictwo Naukowe.

Geranpayeh, A. (۲۰۰۰). The Acquisition of the English Article System by Persian Speakers.

Edinburgh Working Papers in Applied Linguistics, ۱۰, ۳۷-۵۱. Ghomeshi, J. (۱۹۹۷). Topics in Persian VPs. *Lingua, Elsevier Science*, ۱۰۲, ۱۳۳-۱۶۷.

- James, C. (۱۹۸۰). Contrastive analysis. Longman Group Ltd.
- Jamshidian Ghale-Sefidi, T. (۲۰۰۵). Karborde harfe taarif tavasote zaban amuzane khareji: ham dar moghabele marefe. [The application of article by EFL learners: Indefiniteness against definiteness]. Research on Foreign Languages, ۲۷, ۱۶۵-۱۸۲.
- Jaszczolt, K. (۱۹۹۵). Contrastive analysis. In: J. Verschueren, J.-O. Ostman & J. Blommaert (eds), Handbook of Pragmatics: Manual. Amsterdam: J. Benjamins. ۵۶۱-۵۶۵.
- Iranian EFL Journal ۳۶۱ Krzeszowski, T. P. (۱۹۸۹). Towards a typology of contrastive studies. In: W. Oleksy (ed.), Contrastive Pragmatics (Pragmatics & Beyond New Series, ۳), ۵۵-۷۲. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Maratsos, M. P. (۱۹۷۴). Preschool children's use of definite and indefinite articles. Child Development, ۴۵(۲).
- Marton, W. (۱۹۷۳). Contrastive analysis in the classroom. Adam Mickiewicz University, Poznan.
- Master, P. (۱۹۸۷). A cross-linguistic interlanguage analysis of the acquisition of the English article system. Unpublished doctoral dissertation, University of California, Los Angeles.
- Master, P. (۱۹۸۸, March). Acquiring the English article system: A cross-linguistic interlanguage analysis. Paper presented at the Annual Meeting of the Teachers of English to Speakers of Other Languages, Chicago, IL.
- Mobini, F. & Tahririan, M. H. (۲۰۰۷). Farsi-speaking learners' differential command of definite types: A cross-linguistic study. The Linguistic Journal, ۲(۲).
- Murphy, R. (۱۹۸۹). Grammar in use: Reference and practice for intermediate students of English. Cambridge University Press.
- Power, R. J. D. & Dal Martello, M. F. (۱۹۸۶). The use of the definite and indefinite articles by Italian preschool children. Journal of Child Language, ۱۳, ۱۴۵-۱۵۴.
- Sinclair, J. M. (Ed.). (۱۹۹۱). Corpus, concordance, collocation. Oxford: Oxford University Press.
- Snape, N. (۲۰۰۵). The use of articles in L۲ English by Japanese and Spanish learners. Newcastle and Durham Working Papers in linguistics, ۱۱.
- Thomas, M. (۱۹۸۹). The acquisition of English articles by first-and second-language learners. Applied Psycholinguistics, ۱۰, ۳۳۵-۳۵۵.
- Traugott, E. C. (۲۰۰۷). Discussion article: Discourse markers, modal particles, and contrastive analysis, synchronic and diachronic. Catalan Journal of Linguistics, ۶, ۱۳۹-۱۵۷.
- Wardhaugh, R. (۱۹۷۰). The contrastive analysis hypothesis. TESOL Quarterly, ۴(۲).
- Young, R. (۱۹۹۶). Form-function relations in articles in English interlanguage. University of Wisconsin-Madison.
- Zahedi, K. & Mehrzmay, R. (۲۰۱۱). Definiteness in Sorani Kurdish and English. Dialectologia, ۷.